

## معماری و تزیینات گچبری در

### مسجد جامع اردستان

میثم رضایی مهوار<sup>۱</sup>

#### الف: جغرافیای تاریخی و فرهنگی اردستان

اردستان، که در گویش محلی اروسون، اردسون و آردسون نیز نامیده می‌شود، شهر و شهرستانی در شمال استان اصفهان است. در وجه تسمیه اردستان اقوال مختلف است، از جمله آن را به دستان، پسر سام، یا اردوان، پادشاه اشکانی، منسوب کرده‌اند، و یا آن را متشکل از ارد (مقدس، پاک و روشن) و ستان (جای و مکان) با وجود آتشکده مهر اردشیر دانسته‌اند.<sup>۲</sup>

ناحیه اردستان در حاشیه کویر مرکزی است، و قسمت‌های شمالی آن جلگه‌ای کویری و قسمت‌های جنوبی آن کوهستانی است، و آب و هوای آن را به طور سنتی، به دو ناحیه سردسیر (کوهستانی) و گرمسیر (ریگستانی) تقسیم نموده‌اند.

ابن خردادبه اردستان را یکی از رستاق‌های هفده گانه اصفهان بر می‌شمارد، که هر رستاق دارای ۳۶۵ ده قدیمی به جز آبادی‌های جدید بوده است.<sup>۳</sup> اصطخری، نویسنده مسالک‌الممالک می‌نویسد: «اردستان شهری است واقع بین کاشان و اصفهان، دارای باغها و عمارات با فسحت و نزهت و باروی محکم است و در هر محله آن قلعه‌ای و در هر قلعه‌ای آتشکده‌ای بنا شده است».<sup>۴</sup> اردستان دارای شش محله مجزا بوده است، که عبارتند از: محال، مون، راه میان، فهره، باب الرجا و کبودان.

Email: meysam.rezayi@gmail.com

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد مطالعات هنر اسلامی.

<sup>۲</sup> سعیدی عباس، ص ۴۸۵.

<sup>۳</sup> سعیدی عباس، ص ۴۸۶.

<sup>۴</sup> آیت‌الله‌زاده شیرازی، ص ۷.

برخی محل شهر قدیمی اردستان را با اردستان فعلی متفاوت و شهر قدیمی را در نزدیکی شهر فعلی و در فاصله ۲۴ کیلومتری شمال آن دانسته‌اند. که آثار و خرابه‌های آن نیز به لاسریه یا لاسون معروف است و بر این باورند که ظاهراً شهر قدیمی در اثر زلزله یا ریگ روان از میان رفته است.<sup>۵</sup>

مطابق گزارش یاقوت، در میان خانه‌های گنبدی شکل شهر کوشک‌ها و باغ‌های بزرگ و زیبایی قرار داشته و در محله‌های بزرگ این شهر بافندگی و تولید پارچه‌های زیبا رواج داشته است. زبان مردم اردستان فارسی است، اما گویش رایج در این شهر را یکی از لهجه‌های خاص زبان پهلوی و گویشی انتقالی میان لهجه‌های قسمت‌های شمالی و جنوبی ایران مرکزی دانسته‌اند.

از آثار کهن اردستان، علاوه بر مسجد جامع اردستان و مجموعه اطراف آن (که اشاره خواهد شد)، می‌توان به مسجد مشهور به امام حسن در محله کبودان، متعلق به دوره سلجوقی (۵۵۰ هـ.ق)، و مقبره امیر اویس شیروانشاهی، معاصر شاه اسماعیل صفوی، که دارای نقاشی‌هایی نفیس است، اشاره نمود. همچنین از دیگر آثار فرهنگی این شهر، قنات مشهور به مون است که دارای ۲۸ حلقه چاه بوده، و با دو تونل بر روی هم به صورت دو طبقه ساخته شده است و شاید تنها قنات دو طبقه در جهان اسلام باشد.

### ب: معماری مسجد جامع اردستان

مسجد جامع اردستان در مرکز محله محال و در مجموعه ایست که علاوه بر مسجد شامل مدرسه حاج حسین نورالدین، حمام پایین مسجد جامع، حسینیه، آب انبار، کاروانسرا و بازارچه نیز می‌باشد.

مسجد جامع اردستان دارای چهار ایوان، شش ورودی و شبستان بزرگی در زیر گنبد است، در سمت شرقی مسجد، حسینیه‌ای است متصل به مسجد، که در ایام عزاداری و به ویژه عاشورا مورد استفاده قرار می‌گیرد، در سمت غربی این مسجد نیز مدرسه‌ای مشتمل بر حجره‌هایی در دو طبقه قرار گرفته است. مناره مسجد نیز در گوشه شمال غربی مسجد قرار دارد.

نخستین بررسی انجام شده درباره مسجد اردستان توسط آندره گدار انجام شد. طبق نظر وی، این بنا از بناهای عصر سلجوقی (از زمان ملکشاه) است و در اصل در محل بنای قدیمی‌تری که ویران شده یا به همین مناسبت آن را خراب کرده اند ساخته شده است. وی ضمن ترسیم نقشه بنا، آثار باقی مانده از بنای قدیمی تر را در چند ستون، جرز و سرطاق‌های رواق ورودی (جنوب غربی) شناسایی نمود و آنها را متعلق به قرن چهارم هجری دانست.<sup>۶</sup>

همچنین وی این بنا را، بنا بر نظریه معروف خود، از نوع مساجد ایرانی که به صورت کوشک گنبدی یا چهار طاقی‌ای که از سه طرف باز و جداً از دیگر بناها بوده است معرفی می‌کند. که بعداً در همان دوران سلجوقی (بنا بر کتیبه‌های گنبد خانه و ایوان در سال‌های ۵۵۰-۵۵۳ هـ.ق) به صورت چهار ایوانه در آمده است و این را باری دیگر نمونه تفوق طرح ایرانی بر نقشه معروف به عربی (که شامل طرح شبستانی و ستوندار است) معرفی می‌کند.<sup>۷</sup> اریک شرودر نیز در مبحث دوره نخستین معماری اسلامی ایران به بررسی مسجد جامع اردستان و دوره‌های مختلف ساختمانی آن پرداخته و در تبیین خود از تفاوت‌های مصالح شناختی و نیز سبک شناسی گچ‌بری دوره نخستین معماری مسجد استفاده نموده است.

بررسی مهم دیگر توسط مرحوم زنده‌یاد دکتر باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی طی چند سال و حین انجام تعمیرات این مسجد انجام شد، در مجله اثر سال ۱۳۵۹ به چاپ رسید. دکتر شیرازی توانست ضمن نقد نظرات گدار به تکمیل آن بپردازد از کارهای مهم او شناسایی ساختار و نقشه مسجد قدیمی (پیش از سلجوقی) بود؛

<sup>۵</sup>. سعیدی عباس، ص ۴۸۷.

<sup>۶</sup>. گدار، ص ۱۰۷.

<sup>۷</sup>. گدار، ص ۱۰۸.

یعنی چیزی آنچه که گذار نتوانسته بود آن را تشخیص دهد و بیان کرده بود که از بقایای مسجد قبلی جز در مصالح بنای فعلی و مواردی که در بالا ذکر شد چیز دیگری باقی نمانده است. و هیچ کدام ارتباطی را بین نقشه قدیمی و نقشه مسجد جدید نشان نمی‌دهد.

در بررسی دکتر شیرازی (مطابق با نقشهٔ ارایه شده، شکل ۵) مشخص شد که مسجد اولیه دارای یک صحن مرکزی به وسعت صحن فعلی و چهار شبستان ستون‌دار، در چهار سمت آن بوده است. شبستان‌های شمالی و جنوبی هر یک پنج دهانه با سه چشمه عمق و سه ردیف ستون بوده‌اند و دهانهٔ میانی شبستان‌ها عرض بیشتری داشته است و شبستان‌های شرقی و غربی هر یک شامل دو ردیف ستون بوده است.

شیرازی اشاره کرده که تفاوت‌های آشکار در نحوهٔ بنای ستون‌ها و نوع مصالح به کار رفته در شبستان‌ها دلالت بر دوره‌های متفاوت ساختمانی در مسجد اولیه دارد. اندازهٔ آجرهای به کار رفته در ستون‌های شبستان جنوبی ۲۴۲۴۸ سانتیمتر است که، و تنها در این بخش دیده شده‌اند. طرز ساخت ستون‌ها با ستون‌های ساسانی تپه میل و مسجد تاریخانه دامغان، که به صورت لایه‌های افقی و عمودی کار شده‌اند دیده می‌شود. مسجد اولیه دارای قدمتی بین اواخر قرن دوم هجری تا حداکثر نیمه اول قرن چهارم هجری و احتمالاً بر روی محدودهٔ بناهایی ساسانی بنا گردیده است.<sup>۹</sup>

دومین مرحله تحول ساختمان مسجد در دوره سلجوقی و در نیمه قرن ششم با تخریب مقصوره کوچک و احداث ساختمان گنبد و پس از آن با احداث ایوان جنوبی بر روی شبستان جنوبی صورت گرفت. این تغییرات در نتیجهٔ تحولات سیاسی-اجتماعی این دوران در اصفهان بوده، که دامنهٔ آن به اردستان و زواره نیز کشیده شده است. مرحلهٔ سوم شامل تغییر در نقشهٔ مسجد و محو شبستان‌های شرقی و غربی بود، و آخرین مرحله، احداث ایوان‌های شمالی، شرقی و غربی است که با پوشش صفوی دارند یا دست کم در اوایل دوره صفوی مرمت شده‌اند.<sup>۱۰</sup> کتیبهٔ ایوان شمالی با تاریخ ۹۴۶ ه‍.ق به نام حیدر علی معمار اردستانی گویای این مسئله است.<sup>۱۰</sup>

با وجود دوره‌های متعدد تاریخی این بنا، آنچه که امروزه شاهد آنیم اثری از معماری استوار دورهٔ سلجوقی است. نکته اساسی دربارهٔ مساجد مرکز ایران این است که در همهٔ آنها اساساً پلان ویژه‌ای بر طبق الگوی مسجد جامع اصفهان به کار رفته است. نکتهٔ شگفت‌انگیز این الگو انتقال مربع به گنبد با استفاده از سکنج (فیلبوش) یعنی قوس و کاو دیواری است، که زاویهٔ مربعی را پل بندی می‌کرد و آن را به صورت چند ضلعی در می‌آورد و از جمله مهمترین دگرگونی‌های ساختاری و زیبایی شناختی این طرح در دورهٔ سلجوقی به شمار می‌رود.<sup>۱۱</sup> و شکل اولیه آن را می‌توان در بقعه دوازده امام یزد، از دورهٔ آل بویه مشاهده کرد.<sup>۱۲</sup> مسجد اردستان مشابه نمونه ایده‌آل این پلان، یعنی گنبد خاگی (تاج‌الملک) مسجد جامع اصفهان، ساخته شده است.

گنبد مسجد بر روی ۱۶ ضلعی منتظمی است و در وسط هر ضلع آن رأس طاق‌های تیزه‌دار شانزده‌گانه‌ای را شاهدیم که پایه‌هایشان بر هشت ضلعی بالای منطقه انتقال قرار گرفته و نیمی از این طاق‌ها، که در گوشه‌های هشت ضلعی قرار دارند، به صورت معقر بوده و نیمی دیگر فقط طاق‌نما می‌باشند. بر روی وجوه داخلی ۸ ضلعی گنبد طاق‌نماهای بزرگی قرار گرفته، که سکنج‌ها را در بردارند و نوک آنها بر داخل طاق‌نماهای ردیف بالا وارد شده‌اند. در هر گوشهٔ مربع گنبد چهار طاقچه باریک تیزه‌دار با ستونچه‌های نبشی دنباله سکنج‌ها را به سمت پایین تشکیل می‌دهند.

### ج: تزئینات گچ‌بری در مسجد جامع اردستان

<sup>۹</sup> آیت‌الله‌زاده شیرازی، ص ۱۷.

<sup>۹</sup> (Schroeder.Eric, p950).

<sup>۱۰</sup> آیت‌الله‌زاده شیرازی، ص ۱۸.

<sup>۱۱</sup> اتینگهاوزن و گرابار، ص ۳۹۱.

<sup>۱۲</sup> پوپ، ص ۱۰۶.

تزیینات گچبری موجود در مسجد جامع اردستان نیز مطابق با دوره‌های مختلف ساختمانی مسجد قابل تقسیم بندی است.

۱. از آثار برجای مانده از مسجد اولیه (پیش از سلجوقی)، که در دالان جنوب غربی مسجد موجود است. می توان به دو نمونه بسیار ارزشمند اشاره نمود، که بی شک در بررسی تاریخی تحول هنر گچبری ایران از اهمیت بالایی برخوردارند.<sup>۱۳</sup> نمونه اول (شکل ۸ ج)، که در گوشه جنوب غربی حیاط مسجد قابل مشاهده است، به لحاظ سبک‌شناسی متعلق به قرون نخستین اسلامی است، که مورخین هنر اسلامی آنها را متأثر از سبک‌های به کار رفته در گچبری‌های سامرا، که به انتزاع گرایش دارد، می‌دانند، در نمونه یاد شده شاهد ظهور اولیه‌ای از طرح اسلیمی هستیم، که هنوز کاملاً انتزاعی نشده و ترکیب‌بندی، آن یادآور حجاری معروف موجود در طاق بستان از دوران ساسانی است.

اما در مقایسه دیگری می‌توان از قاب‌های در چوبی مسجد الحاکم قاهره (شکل ۹) از قرن چهارم هجری (۱۰۱۰م) یاد کرد، که آن را نیز متأثر از سبک سوم گچبری‌های سامرا معرفی کرده‌اند.<sup>۱۴</sup> و از نظر ترکیب‌بندی و فرم بسیار مشابه نمونه ما در مسجد اردستان است.

نمونه حائز اهمیت بعدی کتیبه‌ای به خط کوفی تزیینی که در درون حاشیه‌ای از اسلیمی‌ها محاط است (شکل ۱۰). اریک شرودر این کتیبه را از نظر سبک‌شناسی خوشاوند کتیبه‌های گچبری شده در مسجد جامع نایین (شکل ۱۱) دانسته است و آن را مبنایی در تعیین تاریخ مسجد اولیه انگاشته است.<sup>۱۵</sup> تفاوت‌های اندک این دو کتیبه باعث می‌شود که آن را نمونه‌ای از تحول گچبری این دوره بدانیم.

دکتر شیرازی نیز به گچبری‌های ستون‌های شبستان شمالی، که تنها در ارتفاع ۲۵ سانتیمتری قاعده آن باقی مانده و با ظرافتی کمتر یادآور گچبری‌های نایین است، اشاره دارند که به نظرشان قدمتی بیش از آن دارد.<sup>۱۶</sup>

۲. اما مرحله مهم دوم گچبری‌های مسجد اردستان همان گچبری‌های گسترده در ایوان جنوبی و گنبد خانه مسجد است، که متعلق به دوره سلجوقی بوده و از تنوع زیادی برخوردار است.

کتیبه‌های سقف ایوان جنوبی شامل طرح‌های اسلیمی متقارن و متصل به هم است که با ریتمی تکرارشونده و زنجیره‌ای قرار گرفته اند و بسیاری از آنها ریزش داشته است. همچنین در این ایوان کتیبه ای سرتاسری، دور دیوارهای سه گانه ایوان و نیز در قسمت جلویی سقف ایوان وجود دارد که به خط نسخ بر زمینه نقوش اسلیمی ساخته شده است، و البته در قسمت سقف ایوان در بخش‌هایی دچار ریزش شده است. متن این کتیبه شامل آیه الکرسی است و در ادامه آن «العبد الاضعف ابوطاهر الحسین بن غالی احمد تقیل الله منه و فرع منه خمس و خمسين و خمس مائه عمل محمود بن محمد البناء» آمده است. (شکل ۱۲)

در هر یک از ورودی‌های گنبدخانه نیز کتیبه‌ای با آیات قرآنی به شکل منحصر به فردی قرار دارد، که نمونه مشابه آن را می‌توان در آجرکاری‌های ورودی گنبد تاج‌الملک یا مسجد برسیان دید. و در ترکیب کلی شامل خط کوفی تزیینی‌ای دور تا دور یک مستطیل بر سقف طاق‌های درگاه‌ها قرار دارند (شکل) در کتبه

<sup>۱۳</sup>. کاربرد گچ در بنا از قدیمی‌ترین دوران تاریخی (دوران ایلامی) در هفت تپه خوزستان روشن گردیده است. در دوران هخامنشی از گچ برای پوشش ستون‌های تالار خزانه استفاده شده، و در دوره اشکانی نیز می‌توان به آثار به دست آمده در کوه خواجه اشاره نمود. دوران ساسانی مرحله مهمی از تحول این هنر در ایران است در آن گچ و مهمترین عامل تزیینی بناهای ساسانی را تشکیل می‌دهد و که آثار گچبری زیادی که زینت‌بخش بناهایی چون ایوان مدائن، بیشاپور، کاخ کیش، تپه میل ورامین، چال ترخان ری و دامغان بوده‌اند امروزه باقی مانده‌اند.

هنر گچبری ساسانی تاثیر مستقیم و بی‌واسطه‌ای بر گچبری دوران اسلامی گذاشت، که در آثار امویان و عباسیان کاملاً مشهود است. این هنر سر انجام در روزگار سلجوقی به شکوفایی رسیده و در دوره ایلخانی به اوج و عظمت خود می‌رسد و پس از آن به دلیل رواج گسترده کاشیکاری از رونق می‌افتد و تکرار ناپذیر می‌شود.

<sup>۱۴</sup>. اتینگهاوزن و گرابار، ص ۲۴۵.

<sup>۱۵</sup>. (Schroeder, p950)

<sup>۱۶</sup>. آیت‌الله‌زاده شیرازی، ص ۲۱.

درگاه بزرگ میان از ایوان جنوبی این تفاوت وجود دارد که خط آن به جای کوفی ثلث یا خطی از خانواده خط ثلث است؛ این کتیبه به سبب موقعیت خود در ایوان و قرار گرفتن در موقعیت ویژه نورپردازی خورشید جلوه‌ای خاص و استثنایی پیدا می‌کند. (شکل ۱۴ و ۱۵)

کتیبه زیر گنبد نیز به شیوه کتیبه ایوان، به خط نسخ عالی بوده و نقوش اسلیمی در درون آن تنیده شده است و در چهار ضلع گنبدخانه قرار گرفته و شامل آیه «انما يعمر مساجدالله» و در ادامه «امر ببناء هذه القبه و اقباب الاربعه المتصله بها و الصفات التي هي امامها العبد الضعيف الراجي برحمتالله تعالى ابوطاهر الحسين بن غالي بن احمد تقبل الله منه و غفرله و لوالده علي يدالاستاد محمد الاصفهاني المعروف بالغازي في سنته ثلاث و خمسين و خمس مائه» می‌باشد. (شکل ۱۳)

گنبدخانه همچنین شامل تزیینات گچ‌بری در طاق‌نماهای تزیینی با طرح‌های منحصر بفرد اسلیمی است.

سرانجام سه محراب گچ‌بری شده دیده می‌شود، که یکی محراب بزرگ اصلی است و دوتای دیگر کوچکترند و زینت‌بخش این مسجد شده‌اند، و به سبب ارائه ترکیب‌بندی‌های پیچیده و خلاقانه در نقوش هندسی و انتزاعی از شاهکارهای هنر گچ‌بری سلجوقی محسوب می‌شوند و در آن‌ها انواعی از خطوط کوفی نسخ و ثلث با آیاتی از قرآن به کار رفته است (شکل‌های ۱۵-۱۸).

در مورد فنون گچ‌بری به کار رفته در این آثار باید گفت که علاوه بر تکنیک قالب‌گیری - که با استفاده از قالب تهیه می‌شد و بعد با استفاده از خمیر گچ، گچ قالبی را در قسمت مورد نظر می‌چسبانند - از گچ‌بری موسوم به کنده‌کاری یا گچ‌بری عمقی استفاده شده است؛ که در آن شیوه کار بدین صورت است که ابتدا گچ آماده (خمیر گچ) را، بسته به ضخامت گچ‌بری، برای زیرسازی و آماده کردن متن، بر قسمت مورد نظر می‌کشند و پس از آنکه گچ خشک شد، و اصطلاحاً خود را گرفت، نقش را روی آن انداخته و با وسایل گچ‌بری از قبیل دم بر، نقاله، پرگار، بمخوار و کاردک، طرح مورد نظر را می‌برند.<sup>۱۷</sup>

در نقش‌اندازی روی سطح گچی عیناً نقش را روی سطح گچی آماده کشیده و یا از راه گرتزنی نقش را روی سطح می‌اندازند. در این شیوه برای به وجود آوردن موتیف‌هایی که برجسته‌تر از سطح دیوار هستند خمیر گچ را در قسمت‌های مورد نظر قرار می‌دهند و سپس شکل مورد نظر را به وجود می‌آورند.<sup>۱۸</sup> در مورد مسجد اردستان همچنین اشاره شده است که در گچ‌بری از رنگ‌های صورتی، آبی، زرد و سفید استفاده نموده‌اند.<sup>۱۹</sup>

از تکنیک‌های دیگر هنر گچ‌بری، که در مسجد جامع اردستان مشاهده می‌شود، تویی‌های ته آجری است؛ در این روش‌بندهای عمودی دیوار آجری را عریض‌تر می‌گرفتند و یا قسمتی از آجر را در امتداد بند آجر را می‌بریدند و این سوراخ‌ها را با گچ پر می‌کردند و گچ را، هنگامی که هنوز خود را نگرفته بود، با طرح‌های مختلف آن را زینت می‌دادند و یا طرح‌ها را با قالب چوبی روی آن نقش می‌زدند.

آنچه گذشت کوششی بود در ارج نهادن و شناخت نمونه‌ای از هنر معماری و گچ‌بری اسلامی در میان دنیای بی‌کران و ناشناخته هنر اسلامی.

<sup>۱۷</sup> . انصاری، ص ۱۹۶.

<sup>۱۸</sup> . انصاری، ص ۱۹۶.

<sup>۱۹</sup> . ( R. Hillenbrand, Iranica)

## فهرست منابع:

- آیت‌الله‌زاده شیرازی، باقر، ۱۳۵۹، «مسجد جامع اردستان»، اثر، ش ۱، سازمان ملی حفاظت آثار باستانی.
- اتینگهاوزن و گرابار، ۱۳۸۷، هنر و معماری اسلامی، ترجمه یعقوب آژند، تهران، سمت.
- انصاری، جمال، ۱۳۷۶، گچ‌بری در معماری ایران، تزیینات وابسته به معماری ایران در دوره اسلامی به کوشش محمد یوسف کیانی، تهران، سازمان میراث فرهنگی.
- پوپ، آرتور ایپهام، ۱۳۸۲، معماری ایران، ترجمه غلامحسین صدیقی افشار، تهران، اختران.
- حاتم، غلامعلی، ۱۳۷۹، معماری اسلامی ایران در دوره سلجوقی، تهران، دانشگاه هنر (جهاد دانشگاهی).
- سجادی، علی، ۱۳۷۴، هنر گچ‌بری در معماری اسلامی ایران، اثر شماره ۲۵، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- سعیدی، عباس، ۱۳۸۱، اردستان، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- شبیانی، زرین تاج، ۱۳۸۱، اردستان: مسجد، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- گدار، آندره، ۱۳۶۸، اردستان و زواره، آثار ایران، ج چهارم، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم، مشهد، آستان قدس رضوی.
- هیلن براند، رابرت، ۱۳۸۵، معماری اسلامی، ترجمه باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، تهران، روزنه.

U. Pope and Ph. Ackerman, *A Survey of Persian Art from Prehistoric Times to the Present*

E. Schroeder, in *Survey of Persian Art II*, A. U. Pope and Ph. Ackerman pp. 930-66

R. Hillenbrand, in *Encyclopedia Iranica*, Ardestan . ii. *Monuments* .